



دانشگاه باقرالعلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

عنوان:

جهاد ابتدایی در اندیشه سیاسی فقهای معاصر

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر محمد جواد ارسطا

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر منصور میراحمدی

نگارش و پژوهش:

زی‌نب تشکری صالح

1387

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم

تقدیم بہ صاحب عصر و الزمان، قائم آل محمد [3]، ہمدی موعود (علیہ السلام) فرج الشریف

تشکر و تقدیر

تقدیر و سپاس فراوان از جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد ارسطا که با راهنمایی‌های ارزنده خود مرا در این کاریاری رساندند و جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر منصور میر احمدی که امر مشاوره این پایان نامه را بر عهده داشتند.

همچنین با تشکر از اساتید بزرگوار آقایان آیت الله شریعتمدار و حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجف لکزایی به پاس پذیرش نظارت و ارزیابی این پژوهش.

در پایان از همسرم که انجام این کار، جز با همکاری‌های ایشان به سرانجام نمی‌رسید، نهایت تشکر و قدردانی را دارم و فرزندم که نبودن‌های مرا تحمل کرد.

چکیده

با توجه به اهمیت بحث «جهاد ابتدایی» در زمان غیبت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف)، پژوهش حاضر، به بررسی این موضوع در اندیشه سیاسی فقهای معاصر پرداخته است. در این رابطه، سؤال اصلی را چنین مطرح کردیم: «دیدگاه فقهای معاصر درباره جهاد ابتدایی در دوره غیبت چه می‌باشد؟»

در پاسخ به این سؤال، نظرات چند تن از فقهای معاصر به عنوان نمونه، مورد بررسی قرار گرفت.

بطور کلی، دیدگاه فقها در این زمینه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: 1- قول به عدم جواز جهاد ابتدایی در دوران غیبت و 2- قول به جواز جهاد ابتدایی در دوران غیبت (اعم از جواز و وجوب)

هر یک از این دو دیدگاه، برای قول خود، به دلایل شرعی استناد می‌کنند که در این پژوهش، این دلایل بطور مفصل مورد بررسی قرار گرفت.

پس از روشن شدن دلایل هر یک از این دو دیدگاه، بحث به چگونگی رابطه میان پذیرش جواز جهاد ابتدایی با نظریات ولایت فقیه کشیده می‌شود. در نظریات مطرح شده در باب ولایت فقیه می‌توان دو مبنای مهم را شناسایی کرد: 1- مبنای اداره حکومت بر طبق امور حسبی² - مبنای ولایت بر حکومت.

بر اساس نتیجه بدست آمده از این پژوهش، در حالی که میان پذیرش جواز جهاد ابتدایی در دوران غیبت، با نظریه اداره حکومت توسط فقیه، ملازمه وجود دارد، رابطه میان پذیرش جواز جهاد ابتدایی در دوران غیبت با نظریه ولایت بر حکومت، فاقد چنین تلازمی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: جهاد - جهاد ابتدایی - اندیشه سیاسی - فقه سیاسی - اجتهاد - ادله شرعی - حاکمیت فقیه - ولایت فقیه - دوران غیبت

فهرست مطالب

1	مقدمه: طرح تحقیق
2	1- بیان مسأله:
2	2- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن:
3	3- سابقه پژوهش:
4	4- سؤال اصلی پژوهش:
4	5- فرضیه پژوهش:
4	6- سؤالات فرعی پژوهش:
4	7- مفاهیم:
5	8- پیش فرض های پژوهش:
5	9- اهداف پژوهش:
5	10- روش پژوهش:
5	11- سازماندهی پژوهش:
6	توضیحی در باره روش اجتهادی:
8	فصل اول: مفاهیم و کلیات
14	مفاهیم:
14	1- «اجتهاد»:
14	تعریف لغوی:
14	تعریف اصطلاحی:

162- «اندیشه سیاسی و فقه سیاسی»
19مسائل و مباحث فقه سیاسی:
203- مفهوم «جهاد»
20تعریف لغوی:
21تعریف اصطلاحی:
22تفاوت جهاد با اصطلاحات مشابه:
23اقسام جهاد:
26ماهیت جهاد ابتدایی:
28جمع‌بندی فصل اول
<u>Error!</u> فصل دوم؛ دیدگاه موافقان و مخالفان جهاد ابتدایی در دوران غیبت	
<u>Bookmark not defined.</u>	
<u>Error! Bookmark not defined.</u> بخش اول: «قائلین به عدم جواز جهاد ابتدایی در زمان غیبت»	
<u>Error! Bookmark not defined.</u> 1) امام خمینی (ره):	
<u>Error! Bookmark not defined.</u> 2) آیت الله سید محمدرضا گلپایگانی:	
<u>Error! Bookmark not defined.</u> 3) آیت الله شیخ علی صافی گلپایگانی:	
<u>Error! Bookmark not defined.</u> 4) آیت الله محمدتقی بهجت:	
<u>Error! Bookmark not defined.</u> «ادله قائلین به عدم جواز جهاد ابتدایی در زمان غیبت»	
<u>defined.</u>	
<u>Error! Bookmark not defined.</u> 1) اجماع:	
<u>Error! Bookmark not defined.</u> 2) اخبار و روایات:	
<u>Error! Bookmark not defined.</u> بخش دوم: «قائلین به جواز جهاد ابتدایی در زمان غیبت»	
<u>Error! Bookmark not defined.</u> 1) آیت الله سید ابوالقاسم خوئی:	
<u>Error! Bookmark not defined.</u> 2) آیت الله سید محمد حسینی شیرازی:	
<u>Error! Bookmark not defined.</u> 3) آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری:	
<u>Error! Bookmark not defined.</u> 4) آیت الله محمد صادق حسینی روحانی:	

<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>5 - آیت الله منتظری:</u>
<u>Error! Bookmark not</u>	<u>«ادله قائلین به جواز جهاد ابتدایی در زمان غیبت»</u>
	<u>defined.</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>دلیل اول: اطلاق و عموم ادله جهاد</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>دلیل دوم: رد اجماع</u>
<u>Error! Bookmark]A[</u>	<u>دلیل سوم: رد روایات دال بر اشتراط اذن معصوم</u>
	<u>not defined.</u>
<u>Error! Bookmark not</u>	<u>دلیل چهارم: عموم ولایت فقیه در زمان غیبت</u>
	<u>defined.</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>مؤیدی بر قول به جواز:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>جمع بندی فصل دوم</u>
<u>Error! Bookmark not</u>	<u>فصل سوم: پذیرش جواز جهاد ابتدایی و نظریات ولایت فقیه</u>
	<u>defined.</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>ولایت در لغت:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>ولایت در اصطلاح:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>اقسام ولایت:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>مراتب ده گانه ولایت فقیه:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>1) ولایت فقیه در فتوی:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>2) ولایت فقیه در قضاء:</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>3) ولایت فقیه در اجرای حدود:</u>
<u>Error!</u>	<u>4) ولایت فقیه در اطاعت از اوامر شرعی، اولی و ثانوی:</u>
	<u>Bookmark not defined.</u>
<u>Error! Bookmark</u>	<u>5) ولایت فقیه در موضوعات حاکم حاکم:</u>
	<u>not defined.</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>6) ولایت فقیه در تصرف:</u>
<u>Error! Bookmark not</u>	<u>7) ولایت فقیه در اذن (نظارت در امور اجتماعی):</u>

defined.

Error! Bookmark: (ولایت فقیه یا زعامت سیاسی (ولایت زعامت):

not defined.

Error! Bookmark not defined...... (9) ولایت فقیه در امور حسبیّه:

Error! Bookmark not: (10) ولایت امامت (به معنی عام) یا رهبری مکتبی:

defined.

Error! Bookmark not defined...... مبنای اول: اداره حکومت

Error! Bookmark not defined...... تعریف امور حسبیّه:

Error! Bookmark not defined...... مبنای دوم: ولایت بر حکومت

Error!..... مقایسه دو مبنا: اداره حکومت و ولایت بر حکومت

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined...... جمع بندی فصل سوم

Error! Bookmark not defined...... نتیجه گیری

Error! Bookmark not defined...... فهرست منابع

Error! Bookmark not defined...... الف) منابع عربی:

Error! Bookmark not defined...... ب) منابع فارسی:

Error! Bookmark not defined...... ج) مقالات و جزوات:

مقدمه:

طرح تحقیق

1- بیان مسأله:

جهاد یکی از فروع دین اسلام است که دارای دو قسم اصلی جهاد ابتدایی و دفاعی می‌باشد. بسیاری از فقها جهاد ابتدایی را مخصوص زمان حضور امام معصوم [A] دانسته‌اند ولی برخی از آنان، اقدام به جهاد ابتدایی را در زمان غیبت نیز مجاز دانسته‌اند. در این پژوهش که بدنبال بررسی جایگاه «جهاد ابتدایی» در اندیشه سیاسی فقهای معاصر است، عمدتاً به مسأله جواز و یا عدم جواز جهاد ابتدایی در زمان غیبت کبری خواهیم پرداخت. برای رسیدن به این مقصود به عنوان نمونه، به نظرات تعدادی از فقهای معاصر از جمله امام خمینی، آیت الله بهجت، آیت الله خوئی، آیت الله سید محمدصادق روحانی، آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری، آیت الله سید محمد شیرازی، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، آیت الله شیخ علی صافی گلپایگانی، و آیت الله منتظری اشاره خواهد شد. پس از بیان دیدگاههای موافق و مخالف و بررسی ادله هر دو گروه، باید دید چه رابطه‌ای میان پذیرش جواز جهاد ابتدایی در دوران غیبت، با پذیرش ولایت فقیه بر حکومت وجود دارد. آیا اگر فقیهی جهاد ابتدایی را در زمان غیبت جایز می‌داند، لزوماً باید ولایت بر حکومت را نیز برای فقیه ثابت بداند، یا خیر چنین ملازمه‌ای وجود ندارد. در اینجا بحث به رابطه دیدگاه فقها در بحث ولایت فقیه با دیدگاهشان در باب «جهاد» کشیده خواهد شد که قابل تأمل و بررسی است.

2- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن:

امروزه چگونگی رابطه میان مسأله جهاد ابتدایی با یک سری مسائل در حقوق بین الملل

همچون اصل حاکمیت دولتها و عدم جواز مداخله در امور داخلی کشورها و نیز بحث مداخله بشردوستانه در دیگر کشورها، بسیار مطرح می‌باشد. در عین حال می‌دانیم که جهاد (جهاد ابتدایی) یکی از آموزه‌های مسلم دین اسلام است و در قرآن و احادیث اشارات بسیاری در این زمینه صورت گرفته است. بنابراین بحث و بررسی در مورد دیدگاه فقها، خصوصاً فقهای معاصر در باره جهاد ابتدایی و جواز و یا عدم جواز آن در دوره غیبت مفید به نظر می‌رسد.

3- سابقه پژوهش:

به دلیل اهمیت بحث جهاد، کتابها و مقالات زیادی با این موضوع به رشته تحریر درآمده است که برخی از این آثار تحت عنوان «جهاد» و برخی نیز تحت عناوین «جنگ و صلح» می‌باشند. در بررسی این آثار دو نکته قابل تأمل وجود دارد:

اولاً؛ در این آثار بیشتر به اهمیت و جایگاه جهاد در دین اسلام پرداخته شده و آیات و روایات موجود در این زمینه مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین کمتر به نظرات فقها و ادله شرعی آنان در این مورد اشاره شده است.

ثانیاً؛ در این نوشته‌ها بحث بیشتر حول محور «جهاد دفاعی» صورت گرفته و در نتیجه مباحث مربوط به جهاد ابتدایی یا اصلاً در این آثار مطرح نشده‌اند و یا بصورت اجمالی و گذرا از آن رد شده‌اند.

با این حال برخی پژوهش‌ها نیز وجود دارند که تأمل بیشتری بر روی بحث «جهاد ابتدایی» داشته و کم و بیش به برخی دیدگاهها (غالباً نظرات قدیمی) اشاره دارند:

- 1- جهاد در اسلام، نعمت الله صالحی نجف‌آبادی، تهران: نشر نی، 1382.
- 2- جهاد، آیت الله حسین نوری همدانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1366.
- 3- کلمات سدیة فی مسائل جدیة، محمد مؤمن، قم: دفتر انتشارات اسلامی،

4- سؤال اصلی پژوهش:

دیدگاه فقهای معاصر درباره جهاد ابتدایی در دوره غیبت چه می باشد؟

5- فرضیه پژوهش:

دیدگاه فقهای معاصر با مراجعه به کتاب و سنت و بکارگیری روش اجتهادی در مورد جواز جهاد ابتدایی در دوره غیبت متفاوت می باشد؛ به این صورت که اکثر فقها جهاد ابتدایی را در زمان غیبت جایز نمی دانند، اما برخی نیز قائل به جواز این امر شده اند.

6- سؤالات فرعی پژوهش:

- 1- جهاد ابتدایی چیست و از چه جای گاهی در قرآن و سنت برخوردار است؟
- 2- دلایل مخالفان جهاد ابتدایی در دوران غیبت چه می باشد؟
- 3- دلایل موافقان جهاد ابتدایی در دوران غیبت چه می باشد؟
- 4- چه رابطه ای میان پذیرش جواز جهاد ابتدایی در دوره غیبت با پذیرش ولایت فقیه بر حکومت وجود دارد؟

7- مفاهیم:

مفاهیم اصلی این پژوهش عبارتند از:

- 1- جهاد: ابتدا واژه جهاد تعریف لغوی و اصطلاحی می شود و سپس به توضیح مفهوم «جهاد ابتدایی» که یکی از اقسام جهاد می باشد می پردازیم.
- 2- اندیشه سیاسی فقها (فقه سیاسی): اندیشه سیاسی دارای اقسامی است که فقه سیاسی یکی از آنهاست و برای بررسی اندیشه سیاسی فقها باید ابتدا «فقه سیاسی» را تعریف کرد.
- 3- اجتهاد: اجتهاد به کار بردن منتهای کوشش در استنباط حکم شرعی از روی ادله معتبر شرعی است.

8- پیش فرض های پژوهش:

- 1- اصل جهاد یکی از فروع دین اسلام است.
- 2- جهاد ابتدایی فی الجمله (اعم از زمان حضور و یا غیبت) واجب است.

9- اهداف پژوهش:

با توجه به اهمیت و ضرورت بحث جهاد، خصوصاً جهاد ابتدایی و همچنین کاستی های موجود در پژوهش های صورت گرفته در این زمینه، پژوهش حاضر بر آن است که با ارائه دیدگاه های فقها در مورد جهاد ابتدایی به صورت مستدل، و بیان ارتباط این مسأله با بحث ولایت فقیه، گامی نو در این جهت برداشته باشد.

10- روش پژوهش:

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش توصیفی و تحلیلی است.

11- سازماندهی پژوهش:

پژوهش حاضر با عنوان «جهاد ابتدایی در اندیشه سیاسی فقهای معاصر» در سه فصل تدوین شده است. قبل از ورود به متن اصلی، مقدمه ای وجود دارد که در آن طرح کلی تحقیق بیان شده: بیان مسأله، ضرورت و اهمیت بحث، سابقه پژوهش، سؤالات اصلی و فرعی، فرضیه ها، مفاهیم، پیش فرض ها، اهداف، نوع روش تحقیق، و در پایان چارچوب نظری که این پژوهش بر اساس آن شکل گرفته است.

در فصل اول پس از بیان جایگاه جهاد در قرآن و احادیث، مفاهیم اصلی پژوهش توضیح داده و تعریف می شوند.

در فصل دوم؛ نظرات فقها در دو دسته مخالفان و موافقان جواز جهاد ابتدایی در دوران غیبت مطرح می شود و در پایان هر بخش نیز، ادله ارائه شده توسط هر گروه مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل سوم به چگونگی ارتباط میان پذیرش جواز جهاد ابتدایی در زمان غیبت با پذیرش

ولایت فقیه بر حکومت می پردازد. بررسی این مسأله که آیا بین این دو ملازمه وجود دارد یا خیر؟ یعنی اگر یکی از فقها جهاد ابتدایی را در زمان غیبت جایز می داند، لزوماً باید ولایت فقیه بر حکومت را نیز بپذیرد؟ در واقع این فصل، به ارتباط میان بحث جهاد ابتدایی در دوران غیبت با نظریات ولایت فقیه می پردازد.

و بالاخره در نتیجه گیری پایانی؛ نتایج بدست آمده از این پژوهش مطرح خواهد شد.

توضیحی در باره روش اجتهادی:

با توجه به اینکه «جهاد» یکی از ابواب فقه است، نظرات فقها در این باب نیز، مانند سایر ابواب، از طریق اجتهاد بدست می آید. بنابراین، چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش، روش اجتهادی می باشد. اجتهاد به معنای تلاش و کوشش برای استنباط حکم شرعی از روی ادله معتبر شرعی است، اما در مورد اینکه ادله شرعی چیست، دیدگاه شیعه و سنی متفاوت است. شیعه منابع صدور احکام را 4 مورد می داند که به آن «ادله اربعه» می گویند:

1- کتاب خدا، قرآن.

2- سنت یعنی قول و تقریر پیغمبر یا امام.

3- اجماع

4- عقل

قرآن: قرآن مجید اولین منبع احکام و مقررات اسلام است. در حدود پانصد آیه از مجموع شش هزار و ششصد و شصت آیه قرآن، یعنی در حدود یک سیزدهم، به احکام اختصاص یافته است.

سنت: سنت یعنی گفتار یا کردار یا تقریر معصوم، به این صورت که مثلاً اگر در سخنان رسول اکرم [3] یک حکمی بیان شده باشد و یا ثابت شود که رسول اکرم [3]، عملاً وظیفه ای دینی را چگونه انجام می داده است، و یا محقق شود که دیگران برخی وظایف دینی را در حضور ایشان به گونه ای انجام می دادند، و این امر مورد تقریر و تأیید عملی ایشان قرار

گرفته است، یعنی ایشان عملاً با سکوت خود، بر آن صحّه گذاشته‌اند، کافی است که یک فقیه بدان استناد کند.

اجماع: اجماع یعنی اتفاق آراء علمای مسلمین در یک مسأله. البته اجماعی حجّت است که کاشف از قول پیغمبر یا امام باشد.¹

عقل: دلیلی عقلی، هر قضیه‌ای است که عقل آن را درک می‌کند و ممکن است از آن حکم شرعی استنباط شود.²

1 - مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار، ج 20 (کلیات علوم اسلامی - اصول فقه)، تهران: صدرا، 1378، ص 33-30.

2 - محمدباقر صدر، دروس فی علم الاصول، ج 2، چاپ دوم، قم: انتشارات دار العلم، 1383، ص 161.

فصل اوّل:

مفاهیم و کلیات

«جهاد» یکی از آموزه‌های مهم دین اسلام می‌باشد و خود مستقلاً یکی از ابواب فقه اسلامی را تشکیل می‌دهد. در واقع اگر فقه را به دو بخش معاملات و عبادات تقسیم کنیم، جهاد نیز همچون نماز، حج و روزه جزو عبادات محسوب می‌شود. تفاوت عمده بخش عبادات و معاملات، لزوم قصد قربت در آنان است یعنی در انجام دادن آنها باید قصد تقرب به خداوند وجود داشته باشد وگرنه مورد پذیرش واقع نمی‌شود. در مورد «جهاد» نیز داشتن قصد قربت، در پذیرش آن شرط است و به همین دلیل گفته می‌شود که جهاد باید «فی سبیل الله» باشد. بنابراین از همین جا تفاوت اساسی جهاد مورد نظر اسلام با سایر جنگها روشن می‌شود و آن انجام گرفتن این امر در راه خدا و با قصد قربت به خداوند است. به همین خاطر در جهاد اسلامی شاهد سیطره عامل اخلاق در ایام جنگ هستیم.

جایگاه جهاد در قرآن و احادیث

برای درک اهمیت آموزه جهاد در اسلام، می‌توان نگاهی گذرا به جایگاه آن در قرآن و احادیث داشت: در یک پژوهش صورت گرفته در مورد آیات مرتبط با جهاد، کل آیات جهادیه 360 آیه عنوان شده است که روی هم چهار درصد کل قرآن از 6724 آیه می‌باشد.³ نویسنده دیگری معتقد است مسأله جهاد در قرآن به علت اهمیت ویژه‌ای که دارد بسیار مورد تأکید و کثرت استعمال قرار گرفته است:

«قرآن کریم در 33 مورد از «جهاد» نام برده و از مجاهدان تمجید کرده و متخلفان از جهاد را مورد نکوهش و انتقاد قرار داده و در 38 مورد از پیکار و قتال در راه خدا یاد کرده و پیروان این راه را ستوده و مخالفان را نکوهش کرده و نیز آیات بسیار دیگری هست که معنی و مفهوم آنها بر عظمت و برتری و فضیلت جهاد و پیکار در راه خدا گواهی می‌دهد.»⁴

3 - محمد کریم اشراق؛ تاریخ و مقررات جنگ در اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1360، ص 154.

4 - آیه الله حسین نوری همدانی؛ جهاد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1366، ص 15.

در ادامه تعدادی از آیات مربوط به جهاد ذکر خواهد شد:

– ⑤ يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاعْلُظْ عَلَيْهِمْ؛⁵

«ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها بسیار سخت بگیر.»

– ⑥ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً؛⁶

«ای اهل ایمان با هر که به شما نزدیکتر است از کافران جهاد کنید، و باید کفار در شما درستی (پایداری و نیرومندی) حس کنند.»

– ⑦ فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ؛⁷

«پس از آنکه ماههای حرام (ذیقعه، ذیحجه و محرم و رجب) گذشت، مشرکان را هر جا بیابید به قتل برسانید و آنها را دستگیر و محاصره کنید و از هر سو در کمین آنها باشید.»

– ⑧ قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ؛⁸

«ای اهل ایمان، با هر که از اهل کتاب که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده است و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده حرام نمی‌دانند و به دین حق نمی‌گروند، کارزار کنید، تا آنگاه که با ذلت و تواضع به شما جزیه دهند.»

– ⑨ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛⁹

«همه و با هم با مشرکان کارزار کنید، چنانکه مشرکان هماهنگ با شما به جنگ و خصومت برخیزند و بدانید که خدا با اهل تقوی است.»

احادیث و روایات بسیاری نیز راجع به جهاد و فضیلت آن، همچنین چگونگی کارزار و موضوعات نظیر

5 - توبه/73.

6 - توبه/123.

7 - توبه/5.

8 - توبه/29.

9 - توبه/36.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

آن وارد شده است.¹⁰ که برای نمونه به چند حدیث در ذیل اشاره می شود:

- از حضرت رسول [3] روایت شده که فرمودند: هر که امر جهاد را واگذارد، خداوند بر او لباس خواری و تنگدستی در زندگانی اش و تباهی در دینش می پوشاند، به درستی که خدا امت مرا با نوک سم اسبان و محل قرار گرفتن نیزه هایشان بی نیاز کرده است.¹¹

- روایت شده از حضرت امیرالمؤمنین علی [A] که فرمودند:

«به درستی که خدا جهاد را واجب کرده است و آن را بزرگ داشته است و آن را یاری خود و یاور از سوی خود قرار داده است. به خدا قسم که دنیا و دین جز با آن اصلاح نمی شود.»¹²

- روایت شده از ابی عبدالله [A] که ایشان فرموده اند:

«هر که در راه خدا کشته شود، خداوند او را از هیچ گناهای آگاه نمی کند (بر او می پوشاند).»¹³

- از ابی عبدالله [A] مروی است که فرمودند:

«مردی نزد رسول خدا [3] آمد و عرض کرد یا رسول الله به درستی که من در کمال آمادگی تمایل به جهاد دارم. آن حضرت فرمود: پس در راه خدا کارزار کن که اگر کشته شوی زنده خواهی بود، در حالی که نزد او روزی داده می شوی و اگر بمیری اجرت با خداست و اگر [زنده] بازگردی مانند لحظه تولد، از گناهانت بیرون آمده ای.»¹⁴

در نهج البلاغه نیز اشارات بسیاری در مورد جهاد وجود دارد، بطوری که در این کتاب در 32 مورد نام

10 - در کتاب «احکام الجهاد و اسباب الرشاد» میرزا عیسی قائم مقام فراهانی، 26 حدیث در باره جهاد آورده شده و همچنین کتاب «تاریخ و مقررات جنگ در اسلام» محمدکریم اشراق نیز به 102 حدیث از پیامبر و ائمه اطهار در ارتباط با جهاد اشاره کرده است. البته در کتب روایی از جمله وسائل الشیعه به طور مبسوط احادیث مربوط به جهاد ذکر شده اند.

11 - شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 15، قم: مؤسسه آل البیت (ع)، 1409 هـ، ص 10، باب وجوبه علی الکفایه مع القدره، «فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ذُلًّا وَفَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ وَمَخْفًا فِي دِينِهِ، إِنَّ اللَّهَ أَغْنَى أُمَّتِي بَسْنَاكَ خِيَلَهَا وَرَاكِبَهَا».

12 - همان، ج 15، ص 15، باب وجوبه علی الکفایه مع القدره، «أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْجِهَادَ وَعَظَّمَهُ وَجَعَلَهُ نَصْرَةً وَنَاصِرَةً، وَاللَّهُ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا وَلَا دِينٌ إِلَّا

بِهِ».

13 - همان، ج 15، ص 16، باب وجوبه علی الکفایه مع القدره، این حدیث را ابی بصیر از ابی عبدالله (ع) روایت می کند: «مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمْ يُعْرِفْهُ اللَّهُ شَيْئًا مِنْ سَيِّئَاتِهِ».

14 - همان، ج 15، ص 20، باب اشتراط اذن الوالدین فی الجهاد، «قَالَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ [3] فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي رَاغِبٌ فِي الْجِهَادِ نَشِيطٌ، قَالَ:

فَجَاهِدْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِنَّكَ أَنْ تُقْتَلَ كُنْتَ حَيًّا عِنْدَ اللَّهِ تَرْزُقُ وَإِنْ مِتَّ فَقَدْ وَقَعَ اجْرَمُكَ عَلَى اللَّهِ وَإِنْ رَجَعْتَ خَرَجْتَ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا وُلِدْتَ».

جهاد و مشتقات آن بکار رفته و از مجاهدین در راه خدا تمجید شده است و در 31 مورد نیز از پیکار و قتال در راه خدا و اسلام سخن به میان آمده است.¹⁵

از جمله امیر مؤمنان [A] در خطبه 27 در مورد ارزش جهاد در راه خدا چنین می فرمایند:

«پس از ستایش پروردگار؛ جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است، که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد لباس تقوا و زره محکم، و سپر مطمئن خداوند است. کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می پوشاند و دچار بلا و مصیبت می شود و کوچک و ذلیل می گردد، دل او در پرده گمراهی مانده و حق از او روی برمی گرداند، به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم است.»¹⁶

آن حضرت در حکمت 252 نیز می فرماید خدا جهاد را برای عزت اسلام واجب کرد.¹⁷

در مورد نقش «آموزه جهاد» در دوران معاصر نیز باید گفت که با یک بررسی کوتاه در تاریخ سیاسی مسلمانان در قرون اخیر به وضوح می توان دریافت که در پیشاپیش اغلب نهضت‌های ضد استعماری یا ضد استبدادی، علما و فقها قرار داشته‌اند و یا فتاوی جهاد آنها باعث شکل‌گیری آن نهضت‌ها شده است. این فتاوا گاه بصورت انفرادی و گاهی بصورت جمعی صادر می شده است. از جمله در جریان جنگ‌های ایران و روس، میرزای قمی، شیخ جعفر کاشف الغطاء و آقا سید علی طباطبایی فتاوی جهاد صادر کردند که در چگونگی روند جنگ بسیار مؤثر بود.¹⁸ یکی از نویسندگان 95 عنوان از این رسایل و فتاوا را در کتاب خود آورده است.¹⁹

پس از بیان این مقدمه درباره جایگاه و اهمیت جهاد، ضروری است که به تعریف مفاهیم اصلی این پژوهش بپردازیم. بنابر این در ادامه سه مفهوم اصلی «اجتهاد»، «فقه سیاسی» و «جهاد» توضیح داده خواهند شد.

15 - حسین نوری همدانی؛ همان، ص 96 و 97.

16 - نهج البلاغه، ترجمه دشتی، قم: لاهیجی، 1379، ص 74. «فاما بعد، فانّ الجهاد باب من ابواب الجنّة، فتحه الله لخاصّة اولیائه و هو لباس التقوی، و درع الله الحصینة، و جنّته الوثیقة. فمن تركه رغبة عنه ألبسه الله و ثوب الذلّ و شمله البلاء و دُیث بالصغار و القماء و ضرب علی قلبه بالإسهاب، و أدیل الحق منه بتضییع الجهاد و سیم الخسف و منع النصف.»

17 - همان، ص 682.

18 - برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به: تاریخ جنگ‌های ایران و روس، حسین آذر، تهران: امیر هوشنگ آذر، 1369؛ رسایل و

فتاوی جهادی، محمدحسن رجبی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1378؛ احکام الجهاد و اسباب الرشاد، میرزا عیسی قائم مقامی فراهانی، تهران: بقعه، 1380.

19 - محمدحسن رجبی؛ رسایل و فتاوی جهادی، همان.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

مفاهیم:

1- «اجتهاد»

قبل از اشاره به تعریف اصطلاحی مفهوم «اجتهاد» لازم است که به ریشه لغوی آن بطور اجمالی اشاره نماییم:

تعریف لغوی:

واژه «اجتهاد» یا برگرفته از «جهد» به ضم جیم است که به معنای تلاش و کوشش در حدّ توان است و یا از «جهد» به فتح جیم، که به معنای مشقّت و رنج است و اجتهاد از باب افتعال به معنای تحمل تلاش و مشقت است و معمولاً در کارهای سخت و طاقت‌فرسا به کار می‌رود؛ و چه بسا بتوان هر دو ریشه را به یک معنا برگرداند. در کتاب «مقایس اللغه» آمده است:

«الجيم و الهاء و الدال اصله المشقة... و الجهد: الطاقه».²⁰

در لسان العرب نیز آمده است:

«اجتهاد از جهد به معنی توان و نیرو و طاقت و جهد به معنی مشقت و سختی گرفته

شده است. بنابراین اجتهاد باب افتعال از جهد و یا به معنای تحمل سختی و مشقت و یا

به معنای صرف همه توان و نیرو برای طلب امری است».²¹

راغب در «مفردات» نیز اجتهاد را چنین تعریف کرده است:

«الجهد و الجهد: الطاقه و المشقة، و قيل الجهد بالفتح المشقة و الجهد الوسع... و الاجتهاد اخذ

النفس ببذل الطاقه و تحمل المشقة».²²

تعریف اصطلاحی:

اینک پس از بررسی لغوی واژه اجتهاد، نوبت به تعریف اصطلاحی آن می‌رسد، برای معنای اصطلاحی

20 - ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا؛ معجم مقایس اللغة، ج 1، بی‌جا: مکتب الاعلام الاسلامی، 1404 هـ، ص 486.

21 - علامه ابن منظور؛ لسان العرب، ج 2، چ 3، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1419 هـ، ص 395-397.

22 - ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل راغب اصفهانی، المفردات، تهران: انتشارات مرتضوی، بی‌تا، ذیل ماده «جهد» ص 101.

اجتهاد، تعاریف گوناگونی از علمای اهل سنت و شیعه ارائه شده است. غزالی اجتهاد را چنین تعریف کرده است:

«بذل المجتهد وسعه في طلب العلم باحكام الشريعة و الاجتهاد التام ان يبذل الوسع في الطلب بحيث يحس من نفسه العجز عن مزيد طلب».^{۲۳}

اجتهاد یعنی اینکه مجتهد توان خود را برای بدست آوردن علم به احکام شریعت بکار گیرد و اجتهاد تام بکار بردن تمام توان است به حدی که احساس کند بیشتر از آن نمی تواند بدست آورد.

اما از مجموع عبارات علمای شیعه در باره اجتهاد این طور بدست می آید که اجتهاد بطور کلی در بعضی از عبارات با استنباط و استخراج احکام شرعی از مصادر و منابع، مساوی و برابر دانسته شده است و در بعضی از عبارات، ملکه ای که انسان می تواند به واسطه آن احکام فرعی را به دست آورد، چه بصورت بالفعل باشد و یا نزدیک به آن، معرفی شده است. از جمله دو تعریف در ذیل خواهد آمد:

- شهید صدر تقریباً اجتهاد را با استنباط و استخراج احکام فرعی از مصادر یکی گرفته و می نویسد:

«الاجتهاد هو القدرة العلمية على استخراج الحكم الشرعي من دليله المقرر له»^{۲۴}؛

اجتهاد قدرتی علمی است برای استخراج حکم شرعی از ادله ای که برای آن مقرر گردیده.

در حالیکه مرحوم آخوند خراسانی، این اصطلاح را این گونه تعریف کرده است:

«ملكة يقتدر بها على استنباط الحكم الشرعي من الاصل فعلاً او قوةً قريبة»^{۲۵}؛

اجتهاد ملکه ای است که به واسطه آن شخص مجتهد قادر است حکم شرعی فرعی را از اصل استنباط کند. این ملکه یا بصورت بالفعل است و یا بالقوه ای که نزدیک به فعلیت است.

این تعریف مورد تأیید امام خمینی (ره) نیز قرار گرفته است:

«فاقرب التعارف الاجتهاد ما هو المعروف من أنه الملكة او القدرة و القوة التي يقتدر بها على

23 - امام محمد غزالی؛ المستصفی من علم الاصول، ج 2، بغداد: مکتبه المثنی، بی تا: ص 350.

24 - محمدباقر صدر؛ الفتاوی الواضحه، ج 1، ج 7، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، 1401 هـ، ص 104.

25 - آخوند خراسانی؛ کفایة الاصول، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، 1409 هـ، ص 463.

استنباط الاحکام من الادله»^{۲۶}؛

نزدیکترین تعاریف اجتهاد همان تعریف معروف است و آن اینکه اجتهاد ملکه و یا

قدرت و نیرویی است که بواسطه آن مجتهد قادر به استنباط احکام از ادله می باشد.

آنچه با توجه به دو دسته از تعاریف اصطلاحی جهاد از نظر شیعه می توان گفت (صرف نظر از اینکه یک ملکه باشد یا غیر آن) آن است که «اجتهاد» به کار بردن منتهای کوشش در استنباط حکم شرعی از روی ادله معتبر شرعی است و مجتهد کسی است که با رجوع به این ادله (منابع اصلی احکام)، بتواند «حکم الله» را به دست آورد.

یکی از تفاوت های اجتهاد از نظر عامه (اهل سنت) و شیعه این است که در نظر عامه ظن به احکام، به طور مطلق حجت شرعی است، اما آنچه در نزد امامیه معتبر است ظنون خاصی است که دلیل خاص بر حجیت آن اقامه شده باشد.²⁷

با این حال باید توجه داشت، تمایز اصلی و جوهری اجتهاد در دو مکتب شیعه و اهل سنت در آن است که اجتهاد در نظر اهل سنت در ردیف کتاب و سنت قرار گرفته و خود یکی از منابع و مصادر تشریح به شمار می رود یعنی مجتهد حکمی را که در کتاب و سنت نیست با فکر و رأی خودش وضع می کند، ولی از دیدگاه اهل بیت [E] و فقهای شیعه، اجتهاد هیچگاه در عرض کتاب و سنت نبوده و یکی از منابع و مصادر تشریح نمی باشد، بلکه یکی از راههایی است که برای بدست آوردن احکام شریعت از مصادر و منابع تشریح مد نظر قرار گرفته و مورد بهره برداری واقع می شود. به همین دلیل اجتهاد مورد نظر اهل سنت، از دیدگاه شیعه رد شده و اجتهاد ممنوع دانسته می شود.²⁸

پرواضح است که در این پژوهش نیز «اجتهاد» در همان معنای مورد نظر شیعه یعنی اجتهاد مشروع استفاده شده است.

2- «اندیشه سیاسی و فقه سیاسی»

اندیشه سیاسی به هر نوع تأمل و تفکر در باره پدیده های سیاسی، درباره مدیریت سیاسی جامعه یا

26 - امام خمینی، رسائل، ج 2، قم: مؤسسه اسماعیلیان، 1385 ه، ص 95.

27 - مکارم شریزی با همکاری جمعی از اساتید و محققان؛ دائرة المعارف فقه مقارن، ج 1، قم: مؤسسه امام علی بن ابی طالب (ع)، 1385، ص

298.

28 - مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار، ج 20، (اصل اجتهاد در اسلام)، همان، ص 164.

تفکرات منسجم در وادی سیاست می‌گویند. اندیشهٔ سیاسی، معنای عامی است که شامل اصطلاحات دیگری هم می‌شود از جمله فلسفهٔ سیاسی، ایدئولوژی سیاسی و نظریهٔ سیاسی.²⁹

در این پژوهش که بدنبال بررسی جایگاه جهاد ابتدایی در اندیشهٔ سیاسی فقها هستیم، بحث خودبخود به مباحث فقه سیاسی کشیده می‌شود و برای بررسی اندیشهٔ سیاسی فقها باید وارد فقه سیاسی آنان شویم. بنابراین همانطور که بیان شد اندیشهٔ سیاسی یک اصطلاح عام بوده و شامل فقه سیاسی نیز می‌شود و آنچه در این پژوهش مد نظر ماست فقه سیاسی است. به همین دلیل در ادامه به تعریف مفهوم «فقه سیاسی» خواهیم پرداخت:

«فقه سیاسی» از ترکیب دو واژهٔ فقه و سیاست بوجود آمده است. برای واژهٔ فقه تعاریف زیادی ارائه شده، همانگونه که برای سیاست نیز تعاریف گوناگونی ذکر شده است. واژهٔ «فقه» در لغت به معنای فهمیدن و درک کردن می‌باشد و «تفقه» هم وزن تجسس نیز به معنای تلاش و کاوش و جستجو برای فهمیدن و دریافتن می‌باشد. طبق معنای اصطلاحی، فقه نام یک علم است و به عنوان یک علم، فقه عبارت است از فهمیدن و دانستن قوانین و احکام شریعت اسلام از طریق دلایل تفصیلی آنها. بنابر این فقه علم مربوط به بیان احکام مکلفان (اعم از تکلیفی و وضعی) می‌باشد.³⁰ فقه دارای دو بخش می‌باشد؛ بخشی حوزهٔ خصوصی و بخشی نیز حوزهٔ عمومی را در بر می‌گیرد.

کلمهٔ سیاست هم از ریشهٔ «سَوَس» و «سَاس» گرفته شده است که معنای آن تأدیب و تربیت و نیز سرپرستی امور است. سانس که جمع آن «ساسه» می‌باشد شخص تأدیب کننده و تربیت کننده را می‌گویند.³¹ در کتاب اقرب الموارد سیاست چنین تعریف شده است:

«سیاست و سیاستمداری عبارت است از همت گماشتن باصلاح مردم با ارشاد و هدایت

آنان براهی که در دنیا و آخرت موجب رهایی و نجاتشان گردد.»³²

حال که تعریف فقه و سیاست روشن شد می‌توان فقه سیاسی را تعریف کرد. در ادامه سه تعریف دربارهٔ

29 - جزوهٔ درسی تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب «الف»، دکتر منصور میر احمدی، دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، زمستان 1380-81.

ص 1.

30 - ابوالفضل شکوری؛ *فقه سیاسی اسلام*، ج 1، قم، بی‌نا، 1361، ص 39 و 40.

31 - همان؛ ص 69.

32 - سعید خوری الشرتونی؛ *اقرب الموارد*، ج 1، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1403 هـ، ص 557.

مفهوم «فقه سیاسی» مطرح خواهد شد:

تعریف اول: برخی نویسندگان در تعریف فقه سیاسی بیشتر به «مسائل» آن توجه داشته‌اند:

«در فقه مباحثی تحت عنوان؛ جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حسبه، امامت و خلافت، نصب امراء و قضات، مأمورین جمع‌آوری وجوهات شرعی، مؤلفه قلوبهم، دعوت به اسلام، جمعه و جماعات، آداب خطبه‌ها و برگزاری مراسم عید، صلح و قرارداد با دولتهای دیگر، تولا و تبری، همکاری با حاکمان و نظائر آن بطور مستقیم یا غیر مستقیم مطرح شده است که به آنها احکام سلطانیه یا فقه سیاسی گفته می‌شود»³³

بر اساس تعریفی که ارائه شد، فقه سیاسی حقوق و تکالیف انسان را بر اساس شریعت، در مسائل سیاسی و اجتماعی بیان می‌کند؛ از این رو می‌توان موضوع فقه سیاسی را رفتارها و اعمال سیاسی انسان و بطور مختصر زندگی سیاسی دانست. بنابراین فقه سیاسی تنها به رفتارهای عمومی توجه داشته، حوزه خصوصی افراد را در بر نمی‌گیرد. فقه سیاسی بر این اساس به تنظیم زندگی انسان و تبیین احکام مربوط به رفتارهای انسان در حوزه عمومی می‌پردازد.

تعریف دوم: این تعریف دارای رویکرد حقوقی می‌باشد و در آن فقه سیاسی به عنوان دانشی شناخته

شده که حقوق و قوانین ناظر به زندگی سیاسی (داخلی - خارجی) را بر اساس متون دینی بیان می‌کند:

«فقه سیاسی اسلام مجموعه قواعد و اصول فقهی و حقوقی است که عهده‌دار تنظیم روابط مسلمین با خودشان و ملل غیر مسلمان بر اساس مبانی قسط و عدل بوده و تحقق فلاح و آزادی و عدالت را منحصراً در سایه توحید، عملی می‌داند و لذا فقه سیاسی عملاً دو قسمت و بخش عمده پیدا می‌کند:

- 1- اصول و قواعد مربوط به سیاست داخلی و تنظیم روابط درون امتی جامعه اسلامی.
- 2- اصول و قواعد مربوط به سیاست خارجی و تنظیم روابط بین المللی و جهانی

اسلام»³⁴.

تعریف سوم: در این تعریف فقه سیاسی یکی از اقسام دانش سیاسی اسلام تلقی می‌شود که محصول تأملات اجتهادی فقهای مسلمان در مواجهه با مسائل و موضوعات سیاسی است. فقه سیاسی بر اساس این

33 - عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج 2، تهران: امیرکبیر، 1366، ص 41.

34 - ابوالفضل شکوری؛ همان، ص 71.

برداشت اگرچه به لحاظ روشی از روش‌شناسی اجتهادی تبعیت کرده و به همین دلیل همچنان با فقه عمومی ارتباط معناداری برقرار می‌کند، اما با توجه به موضوعاتی که به آنها می‌پردازد و نیز با توجه به مفروضات معرفت‌شناختی‌اش از نظر معرفت‌شناختی زیر مجموعه دانش سیاسی اسلامی تلقی می‌گردد (در حالیکه در دو تعریفی که قبلاً ارائه شد، فقه سیاسی شاخه‌ای از فقه و در واقع زیر مجموعه فقه عمومی محسوب می‌شد).³⁵ این تعریف از فقه سیاسی را ابونصر محمد فارابی (255-329هـ) مؤسس فلسفه سیاسی اسلامی، ارائه کرده است. وی که فقه سیاسی (به تعبیر ایشان فقه مدنی) را بخشی از علم مدنی عام دانسته، در تعریف علم مدنی می‌نویسد:

«علم مدنی، علمی است که از انواع افعال و رفتار ارادی و از ملکات و اخلاق و سجایا و عاداتی که افعال و رفتار ارادی از آنها سرچشمه می‌گیرند، بحث می‌کند».³⁶

فارابی، فقه مدنی را علمی می‌داند که انسان را قادر به استخراج و استنباط حدود و احکامی می‌سازد که واضح شریعت آنها را معین نکرده است و صحت و درستی آنها را بر اساس غرض و هدف واضح شریعت برای انسان آشکار می‌سازد.³⁷

مسائل و مباحث فقه سیاسی:

با توجه به تعاریف مختلفی که از فقه سیاسی ارائه شد، می‌توان مسائل و مباحث فقه سیاسی را به سه دسته تقسیم کرد:

- 1- مسائل و مباحث مربوط به نظام سیاسی مانند ضرورت نظام سیاسی، عناصر نظام سیاسی (رهبری، مردم و...)، انواع نظام سیاسی و نظیر آن.
- 2- مسائل مربوط به سیاست داخلی از قبیل حقوق دولت بر مردم، جزیه و مالیات، آزادی و... .
- 3- مسائل مربوط به سیاست خارجی مانند اهداف سیاست خارجی و روش‌ها و تاکتیک‌های سیاست خارجی.

بحث «جهاد» یکی از مباحث اساسی در فقه سیاسی بوده و جایگاه آن در بخش روش‌ها و تاکتیک‌های سیاست خارجی می‌باشد.

35 - منصور میراحمدی: «مبانی کلامی فقه سیاسی شیعه»، آینه معرفت، ش 7، زمستان 84 و بهار 1385، ص 21-23.

36 - ابونصر محمد فارابی: *احصاء العلوم*، ترجمه حسین خدیو جم، ج 2، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1364، ص 106.

37 - همان، ص 113.

3- مفهوم «جهاد»

تعریف لغوی:

«جهاد» مصدر است از جَاهَدَ يُجَاهِدُ جِهَادًا و مجاهدة، در حالیکه «جَهَاد» به معنی زمین سخت و سفت است.³⁸ ریشه این واژه‌ها را می‌توانیم از «جَهْد» بگیریم به معنی مشقت و سختی و یا از کلمه «جُهْد» مشتق بدانیم که به معنی کوشش گسترده و وسیع باندازه طاق است.

در لسان العرب آمده:

«گفته شده است که جَهْد یعنی سختی و جُهْد یعنی نیرو و توان و طاقت».³⁹

در فرهنگ عربی لاروس نیز این دو کلمه چنین معنا شده‌اند:

«جَهْد: رنج، سختی جُهْد: تاب و توان»⁴⁰

تعریفی که المنجد ارائه کرده است نیز به این صورت است:

«جَهْد: کوشش و رنج و مشقت، جُهْد: توانایی، قدرت، نیرو».⁴¹

برخی از محققین مشتق بودن جهاد از کلمه «جُهْد» را مناسب‌تر می‌دانند:

«هرگاه جهاد را از ریشه «جُهْد» بدانیم در آن صورت، «مجاهد» به کسی می‌گویند که هر آنچه را که از قدرت و توان و طاقت و نیرو به کف دارد، تا آخرین حد وسعت و امکاناتش در راه هدف خود بکار گیرد و اگر جهاد را از ریشه «جَهْد» در نظر بگیریم، در رابطه با آن، مجاهد کسی را گویند که با طیب خاطر در فراختای دشواریها و مشکلات گام بگذارد و برای رسیدن به اهداف خود، در سنگلاخ هستی پیش تازد و سرافرازی خود را در عرصه پیکارها جستجو کرد.

به نظر می‌رسد که در رابطه با بحث ما، معنای مناسب‌تر و کامل‌تر جهاد، همان معنایی است که از ریشه «جُهْد» گرفته می‌شود؛ زیرا جهاد در این معنا، با آنچه از نظر قوانین

38 - فاضل مقداد؛ کنز العرفان فی فقه القرآن، تصحیح عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، ج 2، قم: دفتر نشر نوید اسلام، 1380، ص 313.

39 - علامه ابن منظور؛ لسان العرب، ج 2، همان، ص 395.

40 - خلیل جرّ؛ فرهنگ لاروس، ج 1، ترجمه احمد طیبی‌یان، ج 2، تهران: امیر کبیر، 1367، ص 773.

41 - لویس معلوف، المنجد، ج 1، ترجمه احمد سیاح، ج 17، تهران: انتشارات اسلام، 1374، ص 252.

شرعی مطرح است، نزدیکی و مناسبت بیشتری دارد»⁴².

از سوی دیگر مؤلف «قاموس قرآن» از شعبی نقل می کند که جهد به فتح اوّل در عمل و جهد به ضم اوّل در قوت و طعام است. سپس می نویسد: بنابر اقوال گذشته معنای «فلانی جهاد کرد» آن است که قدرت خود را بکار انداخت، متحمل مشقت گردید، تلاش توأم با رنج کرد. این مؤلف جامع همه اقوال را، قول اقرب الموارد می داند، پس جهد و جهاد یعنی: تلاش توأم با رنج... جهاد (بکسر اول) مصدر است به معنی تلاش و نیز اسم است به معنی جنگ (اقرب الموارد) و جنگ را از آن جهاد گویند که تلاش توأم با رنج است.⁴³

بطور خلاصه چه واژه جهاد را از «جهد» به معنی کوشش، سختی و مشقت بگیریم و چه از «جهد» به معنی توان و نیرو و طاقت، ماحصل معنی لغوی جهاد سخت کوشیدن و بذل کردن امکان و توان آدمی در راهی و انجام دادن هر کاری تا آنجا که توانایی آدمی اجازه می دهد می باشد.

مؤلف لسان العرب در مورد معنای کلمه «الجهاد» چنین می نویسد:

«و الجهاد: المبالغة و استفراغ الوسع فی الحرب او اللسان او ما أطاق من شیء»⁴⁴

جهاد؛ مبالغه و انتهای سعی خود را بکار گرفتن در جنگ یا زبان یا آنچه که در تاب و توانش است از هر چیزی.

در مفردات نیز واژه «جهاد» چنین تعریف شده است:

«و الجهاد و المجاهدة استفراغ الوسع فی مدافعة العدو، و الجهاد ثلاثة اضرب: مجاهدة العدو

الظاهر و مجاهدة الشيطان و مجاهدة النفس»⁴⁵

جهاد منتهای سعی خود را بکار بستن در دفع دشمن است. و جهاد بر سه گونه است:

1- جهاد با دشمن آشکار 2- جهاد با شیطان و اهریمن 3- جهاد با نفس.

تعریف اصطلاحی:

واژه جهاد از نظر شرعی، یعنی از نظر قرآن و احادیث، برای اداء تعریف معینی بکار گرفته شده است و

ما آنرا معنای اصطلاحی جهاد می خوانیم، همچنان که مؤلف «فرهنگ فارسی» می نویسد:

42 - آیه الله حسین نوری؛ جهاد، همان، ص 13 و 14.

43 - سید علی اکبر قرشی؛ قاموس قرآن، ج 1، ص 6، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1371، ص 77 و 78.

44 - علامه ابن منظور؛ همان، ص 397.

45 - راغب اصفهانی، همان، بی تا، ذیل ماده، جهد ص 101.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

«و در شرعیات جهاد «جنگیدن در راه حق» معنی می‌دهد و در حالت اسم بودن «جنگ دینی» و «غزو مسلمانان با کافران»⁴⁶

صاحب جواهر تعریف جهاد از نظر شرع و فقه اسلامی را چنین بیان می‌کند:

«جهاد به معنای بذل جان و آن مالی است که جهاد بر آن متوقف می‌باشد در جنگ با مشرکین یا باغیان (طغیان کنندگان)، به نحوی خاص، یا بذل جان و مال و توان در راه اعلاء اسلام و اقامه شعائر ایمان است»⁴⁷

مصطلحات الفقه تعریف جامعی از «جهاد» ارائه می‌دهد:

«جهاد در اصطلاح فقها، بذل جان و مال ابتدائاً، در جنگ با سه گروه از دشمنان است: اولی کفار حربی است که همان مشرکین می‌باشند یا اهل کتاب حربی که ملتزم به ذمه و شرائط آن نمی‌باشند، دوّم؛ طغیان کنندگان بر علیه امام معصوم یا کسی که از جانب وی منصوب شده است، چه نصب عام و چه نصب خاص. سوّم؛ اهل ذمه زمانی که به شرائط ذمه عمل نکنند، و بنابر این اصل در معنای اصطلاحی جهاد، جنگ ابتدایی برای دعوت به اسلام است، و اما دفع کسی که اراده کشتن انسانها یا شکستن حریمها و یا گرفتن اموال را کرده است، جهاد دفاعی نام دارد و جهاد اصطلاحی نیست. بنابر این آن را در کتاب حدود آورده‌اند»⁴⁸

تفاوت جهاد با اصطلاحات مشابه:

برای روشن تر شدن معنای دقیق واژه «جهاد» لازم است تفاوت آن با برخی اصطلاحات مشابه مورد بررسی قرار گیرد:

جنگ: جنگ واژه‌ای مربوط به دوران جاهلیت پیش از اسلام است که مردم آن را در گفتگوهای روزانه خود بکار می‌برده‌اند و بعضی از روزهای خویش را نیز با آن نامگذاری می‌کرده‌اند. جنگ می‌تواند هم بر حق و

46 - محمد معین؛ فرهنگ فارسی معین، ج 1، چ 4، تهران: انتشارات امیرکبیر، 1360، ص 1257.

47 - محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج 21، چ 3، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1363، ص 3.

48 - علی مشکینی؛ مصطلحات الفقه، قم: دفتر نشر الهادی، 1377، ص 191 و ص 192. «فالجهد فی مصطلح الفقهاء، بذل النفس و المال فی البدأة یقتال طوائف ثلاثة من الاعداء الاولی الحریبون من الکفار کانوا مشرکین أو من اهل الکتاب الذین لم یلتزموا بالذمام و شروطه، الثانیة البغاة علی الإمام المعصوم او من نصبه عموماً او خصوصاً. الثالثة اهل الذمه اذا اخلوا بشرائطها، و علی هذا فالأصل فی المعنی الإصطلاحی له هو القتال الإبتدائی علی الإسلام، و أما دفع من یرید قتل النفوس أو سبی الحریم أو أخذ الاموال فهو قتال دفاعی و لیس جهاداً اصطلاحياً و لذا ذکروه فی کتاب الحدود».

هم بر باطل باشد، همانگونه که می‌تواند عادلانه یا ستمگرانه، مشروع یا غیر مشروع باشد. افزودن برخی از این صفات یا همه آنها به جنگ رواست اما افزودن آنها به جهاد روا نیست. به همین خاطر، نه در قرآن و نه در سنت، هیچگاه جنگ، جایگاه جهاد را ندارد.

قتال: در قرآن کریم گاهی واژه «قتال» به معنای جهاد آمده است: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ﴾.⁴⁹

اما تفاوت جهاد با قتال در این است که کلمه جهاد در اصطلاح مکتب اسلام، اگر مطلق هم بکار برده شود، مفهوم تکاپو در راه هدف الهی، تا از دست دادن حیات را نیز در بر دارد. هدف الهی در تعریف مزبور، تلاش و جانبازی به انگیزه مال و مقام و اشباع حس انتقام‌جویی و دیگر انواع خودخواهی را از جهاد کنار می‌زند ولی قتال و مقاتله، تلاش و گلاویزی در مرز زندگی و مرگ است که اگر با هدف الهی بوده باشد، جهاد نامیده می‌شود.⁵⁰ بنابراین اگرچه هر جهادی قتال است، اما هر قتالی جهاد نیست.

اقسام جهاد:

آنچه در فقه اسلامی به عنوان معنای اصطلاحی جهاد مطرح است همان معنایی است که در قسمت قبلی مورد بررسی قرار گرفت، اما واژه جهاد در فرهنگ دینی ما در موارد دیگری نیز بکار رفته است. از جمله روایتی از امام جعفر صادق [A] نقل شده که می‌فرماید:

«جهاد چهار قسم است؛ دو قسم آن واجب است و یک قسم مستحبی است که با واجب انجام می‌گیرد و یک قسم مستحبی است. یکی از آن دو قسم واجب این است که شخص با خود برای ترک گناهان مبارزه نماید که بزرگترین جهاد است و دیگر مبارزه با کفاری است که همسایه سرحدی مسلمانانند واجب است، و اما جهادی که مستحب و باید با واجب انجام گیرد، جنگ با دشمن است که بر همه افراد مسلمان واجب است و اگر آنرا ترک گویند عذاب بر آنان فرود آید و همه اجتماع را فرا گیرد و بر امام مستحب است که در جبهه جنگ حاضر گردد و همراه مسلمانان بجنگد؛ و اما جهادی که مستحب است، هر کار نیکی است که شخص به انجام آن قیام کند و در انجام دادن و پایان رساندن آن و زنده کردن آن مبارزه کند...»»⁵¹.

49 - بقره: 216.

50 - علامه محمدتقی جعفری؛ جهاد در اسلام، تنظیم و تلخیص محمدرضا جوادی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1378، ص 14.

51 - ابن بابویه؛ الخصال، ترجمه و تصحیح احمد فهری زنجانی، بی‌جا: انتشارات علمیة اسلامیة، بی‌تا، ص 264 و 265.

همانطور که در این حدیث شریف، جهاد دارای اقسامی دانسته شده، می توان تقسیماتی را برای جهاد قائل شد. در ابتدا جهاد به دو نوع کلی تقسیم می شود: یکی جهاد اکبر یا جهاد مبارزه با نفس و هوا و هوس نفسانی و دیگری جهاد اصغر که در واقع مبارزه با دشمن ظاهری است. جهاد اخیر الذکر را می توان تحت سه مقوله بررسی کرد:

اول - جهاد داخلی، دوم - جهاد دفاع یا تدافعی، سوم - جهاد ابتدایی

جهاد داخلی همان جهاد و مبارزه با باغیان و توطئه گران در درون دولت اسلامی است. جهاد تدافعی نیز مقابله با تجاوز خارجی صورت گرفته علیه دولت اسلامی می باشد که بیشتر جنبه دفاع دارد و به همین دلیل در برخی از متون به آن دفاع گفته می شود نه جهاد، و اما جهاد ابتدایی، جهادی است که با کفار صورت می گیرد برای دعوت آنان به دین اسلام. آنچه که اصطلاح «جهاد» بیشتر بر آن صدق می کند نیز همین قسم می باشد. بنابراین تعاریف اصطلاحی ارائه شده برای واژه جهاد را می توان همان تعریف جهاد ابتدایی دانست.

شهید ثانی نیز، تقریباً همین تقسیم بندی در مورد جهاد را پذیرفته اند:

«جهاد چند قسم است:

- 1- جهاد ابتدایی با مشرکان برای دعوت آنها به اسلام،
- 2- جهاد با کفاری که به مسلمانان هجوم آورده اند؛ به طوری که بیم تسلط آنها بر شهرهای مسلمانان یا به یغما بردن اموال ایشان و اموری مانند آن، اگرچه ناچیز باشد، می رود.
- 3- جهاد با کسی که قصد کشتن نفس محترمی یا گرفتن مالی یا به اسارت بردن حریمی را دارد، هر کس که باشد و چه بسا به این قسم، «دفاع» گفته می شود؛ نه جهاد و سزاوارتر نیز همین است.

4- جهاد با کسانی که بر امام [A] خروج کرده اند.⁵²

میرزا قائم مقام فراهانی نیز در معنی جهاد و اقسام آن، به نقل از مرحوم کاشف الغطاء چنین آورده اند:

«جهاد اقامه حرب و پیکار است با کفار و کسانی که در حکم کفار باشند به نهجی که شارع در مقاتله آنها مقرر کرده و این به سبب اختلاف متعلقات، پنج قسم است که چهار قسم آن برای حفظ بیضه اسلام و دفع کفار است از اسلام و از اهل اسلام و قسم

52 - شهید ثانی؛ شرح لمعه، ج 1، ص 5، بی جا: مکتب الاعلام الاسلامی، 1370، ص 216.

53. *اخیر برای دعوت کفار است به اسلام.*

بنابراین قائم مقام فراهانی جهاد را به دو قسم کلی جهاد دفاعی و جهاد ابتدایی تقسیم کرده است چون در ادامه بحث خود، ابتدا اقسام چهارگانه جهاد دفاعی را مطرح می کند و سپس می نویسد آنچه جهاد صرف می باشد، همان قسم پنجم است که جهاد با کفار برای دعوت آنها به اسلام است. از این نوع جهاد با عنوان جهاد دعوتی یا جهاد ابتدایی یاد می شود. البته تقسیمی که شهید ثانی درباره جهاد ارائه داده بودند را نیز می توان در دو قسمت جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی خلاصه کرد.

جهاد ابتدایی به سبب ویژگیهای خاصی که دارد از جهاد دفاعی متفاوت می شود، که برخی از این تفاوتها مربوط به شرایط خود جهاد است و برخی مربوط به شرایط مجاهدین و بعضی هم در رابطه با شرایط دشمنانی است که جهاد با آنان صورت می گیرد. این تفاوتها به ترتیب در ذیل بیان خواهد شد:⁵⁴

اول اینکه؛ در جهاد ابتدایی حضور امام معصوم یا نائب خاص و یا به نظر برخی از فقها نائب عام آن حضرت شرط می باشد، اما واجب بودن دفاع مشروط به حضور امام معصوم و اجازه وی نمی باشد. چنانکه اجازه نائب خاص و یا نائب عام آن حضرت نیز لازم نمی باشد. بنابراین دفاع بر هر مکلفی بدون هیچ قید و شرطی واجب می شود (البته بصورت کفائی).

دوم آنکه؛ جهاد ابتدایی در ماههای حرام جایز نیست اما در مورد جهاد دفاعی، اگر تجاوز در ماههای حرام صورت بگیرد دفاع در مقابل آن اشکالی ندارد.

سوم آنکه؛ در جهاد ابتدایی باید پیش از شروع جنگ، ابتدا کفار دعوت به اسلام شوند و اگر امتناع کردند جنگ صورت می گیرد، در حالیکه در اقسام جهاد دفاعی چنین امری وجود ندارد.

چهارم آنکه؛ در جهاد ابتدایی مجاهدین دارای شرایط خاصی می باشند از جمله آنکه مرد باشد، بالغ باشد، آزاد باشد، پیر و از کار افتاده نباشد، فلج و از دست و پا معلول نباشد، نابینا نباشد، فقیری که عاجز از پرداخت نفقه است نباشد و... در حالی که در مورد دفاع چنین شرایطی وجود ندارد، بلکه بر همه لازم است که

53 - میرزا عیسی قائم مقام فراهانی؛ *احکام الجهاد و اسباب الرشاد*، تهران: بقیعه، 1380، ص 119.

54 - در اکثر کتب فقهی درباره شرایط جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی بحث شده است. برای نمونه در این زمینه مراجعه شود به:

- محقق حلی؛ *شرایع الاسلام*، ج 1، کتاب الجهاد، ص 310-307.

- محمدحسن نجفی، *جوهر الکلام*، ج 21، کتاب الجهاد، ص 26-5.

- شهید اول؛ *لمعه الدمشقیه*؛ کتاب الجهاد

- امام خمینی؛ *تحریر الوسیله*، ج 1، فصل فی الدفاع.

نسبت به این امر مهم اقدام نمایند.

پنجم آنکه؛ در جهاد ابتدایی، محاربه فقط علیه کفار صورت می‌گیرد اما در مورد دفاع فرقی میان کفار و مسلمین و مؤمنینی که علیه دولت اسلامی قیام کرده باشند وجود ندارد.

با بیان این تفاوت‌ها، تا حدودی ماهیت جهاد ابتدایی روشن شد. اما آنچه درباره جهاد ابتدایی در این پژوهش مورد توجه ماست مربوط به همان مورد اول می‌شود یعنی اینکه برای جهاد ابتدایی اجازه امام معصوم [A] یا نایب آن حضرت لازم است. حالا در این زمینه اختلاف نظری در میان فقها وجود دارد: برخی معتقدند تنها نایب خاص امام معصوم [شخصی که از جانب وی برای موردی مشخص معین شده است] می‌تواند اجازه انجام جهاد ابتدایی را صادر کند، از سوی دیگر برخی از فقها جواز این امر را برای نایبان عام امام معصوم یعنی فقهای جامع الشرائط نیز قائل هستند. در فصول بعدی این مسأله کاملاً مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

نکته قابل تأملی که ذکر آن در اینجا مفید بنظر می‌رسد آن است که برخی افراد با استفاده از این مسأله که دین اسلام تهاجم و تجاوز را نمی‌پذیرد سعی می‌کنند بگویند چیزی به نام جهاد ابتدایی در اسلام وجود ندارد. این نوع برداشت‌ها به خاطر درک نادرست از ماهیت جهاد ابتدایی می‌باشد. بنابراین قبل از ورود به بحث اصلی، ابتدا باید ماهیت جهاد ابتدایی روشن شود؛ اینکه آیا جهاد ماهیتی تهاجمی دارد و یا نه، ماهیت آن نیز در واقع تدافعی می‌باشد. به همین دلیل در این باره بیشتر بحث خواهیم کرد.

ماهیت جهاد ابتدایی:

اساساً اسلام جهاد را تشریح کرده نه به عنوان تهاجم و تغلب و تسلط، بلکه به عنوان دفاع و مبارزه در مقابل تهاجم، بنابراین در این کبرای کلی که ماهیت جهاد باید به عنوان دفاع باشد اختلافی میان محققین نیست؛ یعنی در این جهت کسی تردید ندارد که جهاد و هر نوع جنگ و قتالی به عنوان تجاوز یعنی به عنوان جذب کردن مال و ثروت طرف مقابل و یا سایر نیروهای آن طرف برای خود و به عبارت دیگر جنگ برای استخدام نیروهای اقتصادی یا انسانی یک قومی، به هیچ وجه روا نیست. آنجا که اختلاف نظرها وجود دارد، در صغرای قضیه است؛ یعنی اختلاف در اینکه دفاع از چه چیزی در جهاد مد نظر است و بحث در مصداق دفاع است. در اینجا برخی نظرشان محدود است و می‌گویند جهاد یعنی دفاع از شخص خود، آنجایی جهاد مشروع است که انسان، چه به عنوان یک فرد و چه به عنوان یک قوم و ملت بخواهد از خودش و از حیات خودش دفاع کند.

همچنین اگر ثروت و مالکیت و ناموس نیز مورد تهاجم قرار گیرد، باید در مقام دفاع از آن برآمد. در نتیجه دفاع از حیات، دفاع از مال و ثروت و سرزمین، دفاع از استقلال، دفاع از ناموس و همه اینها دفاعهای مشروعی است و کسی تردید نمی کند که در این موارد دفاع جایز است. اما یک سلسله چیزهاست که از حقوق یک فرد و یا از حقوق یک ملت برتر و مقدس تر است و دفاع کردن از آنها نزد وجدان بشری بالاتر است از حقوق شخصی، اینها همان مقدسات انسانی یا حقوق انسانی است.

ملاک تقدس دفاع این نیست که انسان باید از خود دفاع کند، بلکه ملاک این است که باید از «حق» دفاع کند. وقتی که ملاک «حق» است چه فرقی میان حق فردی و حق عمومی و انسانی وجود دارد، بلکه حتی دفاع از حقوق انسانی مقدس تر است، مثلاً آزادی یکی از حقوق انسانی است و همه برای آن تقدس قائل اند.

در این مسأله که ایمان و توحید جزء حقوق انسانی هستند یا حقوق شخصی، بحث وجود دارد و برخی آن را از حقوق انسانی می دانند و بعضی هم آن را حق شخصی می دانند. بهر حال صرف نظر از اینکه مسأله ایمان از حقوق انسانی است یا نه، برای اثبات دفاعی بودن ماهیت جهاد (جهاد ابتدایی) باید به طریقی دیگر بحث کرد، چون ایمان خودش بالطبع از اموری است که زوربردار نیست. در واقع ایمان دو رکن دارد؛ یک رکنش جنبه علمی مطلب است که فکر و عقل انسان بپذیرد و رکن دیگر جنبه احساساتی آن است که دل انسان گرایش داشته باشد و هیچ کدامش در قلمرو زور نیست، نه جنبه فکری اش و نه جنبه احساساتی اش. فکر تابع منطق است نه زور، احساس هم که اصلاً با زور و اجبار ایجاد نمی شود.

مؤید دیگر این مطلب آن است که اسلام در اصول دین تقلید را جایز نمی داند. بنابراین نظر اسلام این است که ایمان تنها از روی فکر آزاد بدست می آید.

بنابراین حتی اگر توحید را از حقوق انسانی بدانیم، باز نمی توانیم با ملت دیگر برای تحمیل عقیده توحید بجنگیم، چون توحید فی حد ذاته تحمیل پذیر نیست، بلکه جنگیدن برای آزادی دعوت و رفع مانع تبلیغ توحید است. ما می گوییم باید آزاد باشیم که عقیده و فکر خاصی را در میان هر ملتی تبلیغ کنیم. اگر دولتی فضای خفقانی ایجاد کرد که نمی گذارد دعوت حق در آنجا نشو کند و به این ترتیب سدی در راه تبلیغ دین اسلام ایجاد کرد، باید این سد را شکست و از بین برد. در نتیجه می بینیم که در این موارد نیز جهاد، دفاع و مقاومت در برابر ظلم است. دفاع به معنی اعم یعنی مبارزه با یک ظلم موجود. البته ظلم به صورتهای مختلفی صورت می گیرد و در اینجا آن دولتی که مانع تبلیغ توحید شده و آزادی دعوت را از بین برده است نیز بنحوی مرتکب ظلم می شود. بنابراین می توان با این دولت و نظام (نه با توده مردم) جنگید برای آزادی دعوت تا مانع پیش رو

از بین برود.⁵⁵

به این صورت کاملاً مشخص شد که جهاد ابتدایی مطرح شده در اسلام، اصولاً ماهیتی تدافعی دارد و نه تهاجمی و تجاوزکارانه.

جمع بندی فصل اول

در این فصل، ابتدا جایگاه و اهمیت جهاد را در قرآن و احادیث بررسی کرده و بعضی از آیات و روایات مرتبط را مطرح کردیم.

در ادامه، مفاهیم اصلی پژوهش هر یک بطور جداگانه مورد بررسی قرار گرفتند. ابتدا مفهوم اجتهاد تعریف شده و سپس معنای مورد نظر شیعه از اجتهاد مشخص شد. برای مفهوم «فقه سیاسی» نیز سه تعریف ارائه شد که در نهایت با توجه به این تعاریف، توانستیم محدوده مباحث و مسائل فقه سیاسی را بدست آوریم. مفهوم جهاد نیز پس از تعریف لغوی و اصطلاحی به اقسامی تقسیم شد که در این پژوهش «جهاد ابتدایی» به عنوان یکی از اقسام جهاد، محور بحث قرار خواهد گرفت.

مبحث آخر این فصل نیز بررسی ماهیت جهاد ابتدایی بود که مشخص شد جهاد ابتدایی نیز در واقع ماهیتی دفاعی دارد، البته به گونه‌ای که مورد تفسیر قرار گرفت.